

# **بررسی شبهات قمی در مورد حادثه افک**

نویسنده: علی حسین امیری

منبع: [/http://islamtxt.net](http://islamtxt.net)

در تفسیر قمی ۱ در توضیح آیه: {إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ} [النور: ۱۱] آمده است که، عامه مردم روایت کرده اند که این آیه در مورد عائشه و آنچه از بهتان به وی در حال برگشتن از غزوه بنی مصطلق من جانب خزاعه نسبت دادند نازل گشته است و این در حالی است که خواص روایت نموده اند که این آیه در مورد ماریه قبطی نازل شد که عائشه به وی تهمت زد .

در مورد آیات افک که عالم و عوام می دانند که در مورد پاکی عائشه رضی الله عنها نازل شده از بهتانی که اسلاف قمی در جریان گم شدن گردنبنده وی که در هنگام برگشت لشکر مسلمین از غزوه بنی مصطلق در بیابان گم کرد به وی زده بودند، اما قمی و امثالش می خواهند جریان این داستان را طوری دیگر وانمود کنند و حقیقت آن را وارونه جلوه دهند تا مجبور نشوند که هیچ نوع فضیلتی برایش اقرار نمایند، چه فضلی بالاتر از این که ام المومنین را در برگرفته وی بر امثالش فخر ورزد که الله سبحانه و تعالی پاکی و برائت وی را از بالای هفت آسمان نازل کرده است .

فراموش نکنیم که علی رضی الله عنه نیز ربطی به این جریان دارد، هنگامی که شایعات در مدینه پیچید، رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - با ایشان مشوره نمود و ایشان براساس آنچه که روایات بیان نموده اند گفت: همانا زن بسیار است . وی زبانش را با گفتن حرفهای ناپسندیده در مورد مادرم عائشه آلوده ننمود و هیچ گونه شکی به دل راه نداد، چون ایشان به اتفاق افتادن این امر اعتقاد نداشت، تنها هم و فکرش این بود که رسول - صلی الله علیه و آله وسلم - را از این پریشانی برهاند لذا گمان می کرد که اگر رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - دستش را از این زن بردارد و دیگری را جایگزینش نماید خیالش راحت خواهد شد.

نقد روایت قمی به قلم دکتر ابراهیم عوض استاد دانشگاه عین شمس علمای شیعه داستان افک و افترا را به خاطر شرافت و فضیلتی که برای ام المومنین عایشه وجود دارد می خواهند طوری دیگر جلوه دهند، و آن را علیه وی قلمداد نمایند، چون گمان می کنند که این آیات در سرزنش و توبیخ عایشه نازل گشته است به خاطر تهمتی که به ماریه قبطی مادر ابراهیم فرزند رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - در پاکی و شرافت وی بسته است، آنچه را که قمی در تفسیرش آورده بررسی می کنیم:

{إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ} [النور : ۱۱] اما قول الله متعال

{إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ}: عامه مردم روایت کرده اند که این آیه در مورد عائشه و آنچه از بهتان به وی در حال برگشتن از غزوه بنی مطلق من جانب خزاعه نسبت دادند نازل گشته است و این در حالی است که خواص روایت نموده اند که این آیه در مورد ماریه قبطی نازل شد که عائشه و دیگر زنان منافق به وی تهمت زدند .

برای ما حدیث کرد محمد بن جعفر گفت: برای ما حدیث کرد محمد بن عیسی از حسن بن علی بن فضال گفت برای ما حدیث کرد عبدالله بن بکیر از زراره گفت: شنیدم ابوجعفر - علیهما السلام - می گفت: هنگامی که ابراهیم فرزند رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - وفات نمود، رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - بسیار غمگین گشت، عایشه گفت: چه چیزی تو را به خاطر او ناراحت کرده است؟ آن کسی جز فرزند جریج نیست. رسول - صلی الله علیه و آله وسلم - علی را فرستاد و به وی دستور داد تا جریج را بکشد . علی با شمشیرش رفت، جریج قبطی در باغش بود، علی دروازه باغ را زد، جریج به طرف او رفت تا دروازه را برایش باز کند . هنگامی که علی را دید از چهره اش خشم را شناخت، پشت گردانید و دروازه را باز نکرد. علی علیه السلام بر دیوار بالا رفت و به باغ فرود آمد ، دنبال وی افتاد و جریج پشت گردانید .

هنگامی که ترسید به او برسد بر درخت نخلی بالا رفت و علی علیه السلام نیز به دنبالش بالا رفت ، چون علی به وی نزدیک شد، او خودش را از بالای نخل به پایین انداخت، و شرمگاهش نمایان شد. در این هنگام واضح شد که نه آنچه مردان دارند دارد و نه آنچه زنان دارند دارد (مخنت است) . علی علیه السلام به طرف رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - برگشت و گفت: یا رسول الله! مرا دنبال کاری فرستادی که که مانند میخی پنهان شده در پشم شتر بود. آیا با این ثابت می شود؟ رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمود: نه! ثابت نمی شود. علی گفت: قسم به آن کسی که تو را به حق فرستاده است: نه آنچه را که مردان دارند و نه آنچه را که زنان دارند، دارد. رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمود: حمد و سپاس مخصوص کسی است که بدی اهل بیت را از ما دور کرد .

شروع می کنیم با آنچه که وی شروع کرده است دو کلمه (عامه) و (خواص) نظر مرا جلب کرد، عامه از نظر آنها اهل سنت و خواص شیعیان هستند . سبب نامگذاری واضح است و نیازی به شرح ندارد، هر کدام خود بیانگر واقعیت هستند . همچنین ذکر نام عایشه همراه زنان منافق در یک ردیف و متهم ساختن همه آنان به جرم واحد که تهمت زدن ماریه باشد .

سوما: هیچ موقع تصور نمی‌کنم که رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - پیش از اثبات حکم متهم را محکوم سازد، شاید او مجرم نیست، در حالی که این روایت می‌گوید: هنگامی که وی اتهام را از هوی شنید که در مورد هویش می‌گوید فوری علی را بفرستد تا جریح را بکشد بدون از اینکه از او سوال کند و یا اینکه چه کسی این را گفته است .

چهارم: چه طور به کشتن جریح دستور می‌دهد در حالی که کسی را که در جرمش شریک است رها می‌سازد هنگامیکه می‌پنداشت این اتفاق همانطور که عایشه تهمت زده و گفته، واقع شده است . رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - خیلی درنگ می‌کرد خصوصا در مسئله زنا و عقوبت آن، حتی زمانیکه شخصی پیش او می‌آمد و به زنا اقرا می‌کرد، رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - بارها وی را برمی‌گرداند، و دری را بعد از هر دری باز می‌کرد تا شاید برگردد و توبه نماید و دوباره به این امر بازنگردد.

بلکه ایشان دوست می‌داشت که عیب‌ها پوشیده می‌شد، زمانیکه شاهی می‌آمد و می‌گفت که یکی زنا کرده است می‌فرمود: اگر چنانچه با لباس آنها را می‌پوشاندی بهتر بود. پس چگونه اینجا شتابزده عمل می‌کند و دستور به اجرای حد می‌دهد بدون از اینکه تهمتی که به وی زده است ثابت شود؟ بلکه به وی نیز فرصتی داده نشد تا از خودش دفاع کند. اما اتهام زدن و افتراء بستن به مادرم عایشه در مورد حیثیت وی با این جریان کاملا مختلف است. به اجرای عقوبت شتاب نکرد در حالی که شایعات که در مورد شخصیت عایشه گفته می‌شد در گوشه و کنار مدینه پخش گردید .

همچنین بافندگان این قصه چگونه فراموش کرده اند که عایشه و پدر شبه گمان آنان نزد رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - متهم هستند چنانکه بر این دو دروغ می‌بندند؛ لعنت الله بر تمام دروغگویان متکبر . چگونه رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - به این سادگی سخن کسی را که شیعه می‌پندارد منافق و فرزند منافق است قبول می‌کنند . - پناه می‌بریم به الله متعال و لعنت الله بر کسی که در مورد مادرم عایشه این سخنان را بگوید - .

همچنین چگونه جریح خود را از بالای نخل به پایین انداخته بدون از اینکه استخوانهایش درهم نشکند؟ بلکه چگونه در مورد انداختن خویش از بالای درخت فکر کرده و که این عمل زشت را انجام دهد؟ عجیب تر از این که این جریان اتفاق سقوط را تعریف کرده بدون از اینکه کلمه در مورد زخم‌های که جریح برداشته باشد سخن گوید .

قبل از همه، اینان چگونه می خواهند که جریان افک را که در آن حسان و مسطح و حمنه بنت جحش و ابن ابی سلول و دیگران مشارکت داشتند به دست فراموشی بسپاریم و این در حالی است که این جریان معروف و در کتب حدیث و تاریخ و سیرت ذکر گردیده است؟ ما چاره ای نداریم مگر اینکه تنها یکی از این دو راه را قبول کنیم:

۱/ یا عایشه اصلاً متهم نشده است که سوال پدید می آید: پس داستان افکی که عایشه در آن متهم شده است چیست؟

۲/ در این حالت راهی دیگر نداریم مگر اینکه قبول نماییم که سبب ستایش عایشه است که الله متعال از بالای هفت آسمان پاکی وی را اعلام نمود تا که شرف و کرمی باشد برای عایشه .

لیکن آیا عاقلانه است که عایشه در مورد شرافتش متهم شده، قرآن سکوت نماید و جریان را شفاف نسازد گویا که اصلاً این اتفاق نیفتاده است؟ چیزی است که عقل قبول نمی نماید . همانطور وقتی که به آیات سوره نور نگاه می کنیم خصوصاً جریان افک، می بینیم که سخن از جمعی مذکر است و این دلالت بر این می کند که متهمین مرد و یا مرد و زن با هم هستند، نه گروه زنان که شامل عایشه و زنان منافق است چنانکه این روایت دروغین می پندارد.

بالاتر از این ها قرآن به رهبری یک مرد در این جریان اشاره می کند نه یک زن : وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ (النور: ۱۱)

سپس قرآن در همین حین اعلام می نماید، باید چهار تا شاهد بیاورند، چگونه رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - تمام این ها را فراموش کرده و علی را فوراً می فرستد که با شمشیر برود و گردن جریج را بدون از آوردن چهار شاهد بکشد؟

لذا روایتی دیگر در مورد این داستان نزد قمی در تفسیرش می یابیم که در تفسیر فرموده الله متعال: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ } [الحجرات : ۶] می گوید: پیش رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - آورده شد، به وی فرمود: تو را چه شده است ای جریج؟ گفت: یا رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم -! همانا قبطیان خدمتکارانشان و کسانی که به خانه هایشان رفت و آمد می کنند را دوست دارند و قبطیان با بغیر از خود انس نمی گیرند. لذا پدرش مرا فرستاد تا به نزد وی رفت و آمد کنم و خدمتش را نمایم و با وی انس بگیرم. ۲.

این سخن مخالف عقل است، که معنایش این است که رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - این همه مدت نمی دانستند چرا جریج همراه ماریه از مصر آمده است؟ و این که جریج این همه مدت پیش ماریه رفت و آمد می کرد و خدمتش را می نمود بدون از اینکه رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - بدانند؟

مهم تر از همه این است که قرآن رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - را متهم به جهالت می کند در مورد عقوبت جریج، و رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - نزدیک بود که از عمل خود به زودی پشیمان شود اگر الله متعال لطف نمی کرد و حقیقت امر و پاکی جریج را با درام بالای نخل کشف نمی نمود .

همچنین این روایت یادآور می شود که پدر ماریه، جریج را فرستاده تا همراه دخترش باشد، با وجود اینکه می دانیم که ماریه آزاد نبوده بلکه کنیزی بود که مقوقس آن را فرستاده پدرش!

این روزنه ای خطرناک است که این روایت را به کلی از بین می برد، چنانکه مقوقس ماریه را تنها نفرستاد بلکه سیرین نیز با وی بود که رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - آن را به حسان بن ثابت هدیه نمود.

پس چرا نشینیده ایم که همرا سیرین نیز مردی مخنث مانند جریج میفرستاد تا که آموزش را انجام دهد؟ همچنان بالا رفتن جریج از نخل راه حل نیست، زیرا وی نمی تواند همیشه بالای درخت بماند هر چند که بالا رفتن علی - علیه السلام - از درخت امری عجیب و دور از ذهن است، زیرا نیازی بدین امر نیست و جریج مجبور است که از نخل پایین بیاید.

همچنین بالا رفتن از درخت ما را به یاد تبهکارانی انداخت که در فیلم ها و سریالها هنگامی که به بن بست می رسند بر بالای برج و یا بالاترین نقطه و یا سوار بر کشتی می شوند، بدون از کوچکترین اندیشه ای که این کار آنها را از صحنه دور نمی سازد و تا آخر عمر نمی تواند آنجا باقی بماند . و معمولا در آخر هم به طرز بدی در بالای مکان مرتفع به نهایتش می رسد. با این همه حال قمی می کوشد تا کارنامه عایشه را ناپاک جلوه دهد و بر گمراهی خویش بیفزاید و بگوید که الله متعال می خواست پاکی جریج را بوسیله علی ظاهر نماید. بدین معنا که علی شتابزده برای دسترسی به جریج عمل نماید بدون از نظر و محاکمه تنها به خاطر اینکه رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - بدین امر دستور داده است و برائت مصری مسکین بنابر تدبیر الله متعال ثابت شود؟

خواست الهی بود که قدر نوشته بود تا اشتباهی که رسول الله -صلی الله علیه و آله وسلم - می رفت تا مرتکب شود بوسیله علی اصلاح شود. - طلب بخشش می نمایم از الله - برخی نیز گفته اند که رسول الله -صلی الله علیه و آله وسلم - پاکی ماریه را از همان اول می دانست و این دستوری که به علی داده تظاهر بوده تا وجدان عایشه را بیدار سازد هنگامی که می بیند شخصی بیگناه در معرض قتل است.

آنان می خواهند که با این توجیه پست آنان را تصدیق کنیم که رسول الله -صلی الله علیه و آله وسلم - این جریان را پدید آورد که بیچاره جریح را با این وضع اسفناک که نزدیک بود روح از کالبد بیچاره بر اثر سقوط از نخل جدا شود بترساند تنها برای اینکه شاید وجدان عایشه بیدار شود؟! ما را به یاد ضرب المثلی انداخت که می گویند: می خواست چشم هایش را سرمه کند او را کور نمود.

این چنین علماء شیعه درهم می آمیزند تنها برای اینکه مایل اند تا اخلاق عایشه را جریح دار جلوه داده و بنابر آیه متهم به فسق نمایند . - طلب بخشش می کنم از الله - .

اما آیات در مورد شایعاتی که در تمام مدینه پخش شده صحبت می کند، با این حال هم می بینیم که این روایت تنها از عایشه صحبت می کند هر چند که زنان منافق را نیز ذکر کرده اما از احوال آنان و سخنانشان بحثی به میان نیاورده است که قمی و امثالش از روافض برخی از همسران رسول الله -صلی الله علیه و آله وسلم - را من جمله همین منافقان می دانند خصوصاً مادرم حفصه را به خاطر بغضی که با پدرش فاروق -علیه السلام - دارند .

پس جایگاه آیه بعدی {وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ} [النور : ۲۲] از لحاظ اعرابی در بحث ما کجاست؟ این آیه همه ما می دانیم که در مورد تشویق ابوبکر نازل شده تا به مساعدت برخی از نزدیکان فقیرش که در پخش شایعات تهمت دختر پاک و محترمه اش عایشه شریک بودند ادامه دهد. و وی قسم خورده بود که انفاق بر آنان را متوقف سازد . اما خواص (روافض) ان آیه را چگونه تفسیر می کنند؟

قمی در تفسیرش آورده است: در روایت ابی جارود از ابی جعفر -علیه السلام - آمده است که {وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ} و آن نزدیکان رسول الله -صلی الله علیه و آله وسلم - هستند {وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا} می گوید: برخی بعضی دیگر رام معاف کنید و از هم دیگر درگذر نمایید، اگر این کار را انجام دادید رحمتی از جانب الله بر شماست. الله می فرماید: {أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ} .

وی در کلام خود تکلف ورزیده تا آن را فصیح جلوه دهد، قرآن نازل نشده تا دلها را برای نزدیکان رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - نرم نماید که گویا آنان گروهی گدا هستند، در حالی که بر آنان اصلا صدقه جایز نیست .

همچنانکه دستور دادن قرآن به گذشت و معاف نمودن خاندان رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - معنای به غیر از این ندارد که آنان جماعتی اخلاصگر و آشوب گر هستند که و بر مسلمانان است که از آنان چشم پوشی نمایند و درگذرند. به نظرت آیا این تفسیر صحیح است؟ اما مفسر شیعه هر طور که بخواهد آیات قرآن را تکه و پاره می کند تا به زعم خود آنچه که مرادش است را به دست آورد.

افسوس بر آنان! یکی دیگر از آیات نه که آخری باشد به صراحت بیان می دارد:  
{الْحَبِيثَاتُ لِلْحَبِيثِينَ وَالْحَبِيثُونَ لِلْحَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ} [النور : ۲۶] مفسران دروغ پرداز و حيله گر به این آیه توجه ندارند زیرا این آیه ستایش عایشه و دیگر همسران رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - است که با این آیه ثابت می شود که هیچ یک از مادران مومنان خبیث نبوده اند، و عکس این را ثابت می کند که مادران مومنان پاک و پاکدامن بوده اند.

---

۱ - ابو حسن، علی فرزند ابراهیم قمی از بزرگان روافض در قرون ۴ و ۵ هجری و صاحب تفسیر القمی است. (مترجم)

۲ - در حالی که در این روایت آمده که خود شرمگاهش را نشان داد تا بیان دارد که مخنث است، از این روایت فهمیده می شود که وی قبلا از جرم خویش آگاه بود. و بحثی از انداختن خود از بالای درخت ذکر نشده، هم چنین علی وی را نزد رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - آورد . (مترجم)